



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۰۶

داکتر ع واحد حیدری

از امر سفربری دیروز تا این حالت بیتفاوتی امروز

از آن روز شومی که کشوری به نام پاکستان بدست استعمار تاعسیس گردید تا به ایندم ملت افغان در آنسوی خط نفرین شده دیورند قربانی توطعه ها، اظلام و استبداد استعمارگران بوده و پاکستان منافق این تیشه دست استعمار، با استفاده از افراطیون راست و چپ برای ملت افغان در آنسوی این خط درین شش دهه اخیر در پی طرح دسایسی بوده اند که تا امروز ادامه دارد. اگر عمیق بنگریم، ظلم و استبداد این دولت منافق بالخصوص در دو دهه اخیر در آن مناطق پیوسته نسل کشی قوم پشتون بوده و بنام تروریست خانه و کاشانه شان ویران و افراد این قبیله یک، یک به قتل میرسند و تعدادی عظیمی از این قبیله همانند دوره کمونستان در افغانستان، زندانی و لادرک گردیده اند. بلی اقلیت های پشتون و بلوچ درشش دهه اخیر پیوسته از ظلم و استبداد در امان نبوده اند.

در این اواخر نهضت خود جوشی بنام "دپشتون ژغودنی غورخنگ" بعد از سکوت طولانی صدای آزادی و استقلال طلبی را در مقابل استعمار بلند نمودند. رهبری این نهضت جوان را منظور پشتون و عده از جوانان تحصیل کرده در دست دارند. تا به حال دولت پاکستان تعدادی از رهبران این نهضت را به شمول منظور پشتون به زندان انداخته و عده آنها را به شمول شخصی بنام آرمان به شهادت رسانیده است.

مشاهده این نهضت جوان در این مقطع زمانی با بلند نمودن ندای آزادی برای برادران افغان ما در ان سوی خط دیورند و ناتوانی ها و بی تفاوتی های حکومت های دست نشانده در این چهار دهه یکبار دیگر خاطره های از رهبری را در خاطر زده میکند که وی از درد و غم هر فرد افغان، فارغ از قومیت و قبیله گرایی ها، آگاه بود.

تاریخ بیاد دارد که محمد داود در سال های 1945-1947 بعد از تولد پاکستان به حیث فرقه مشر فرقه جلال آباد ایفای وظیفه می نمود. در ان زمان موقع مناسبی بود تا حقوق مسلم پشتون ها و بلوچ های انطرف خط دیورند اعاده می شد، ا محمد داود برای کمک به افغان های انطرف خط دیورند شش غنم مجهز را تشکیل داد تا ازادخواهان پشتون و بلوچ را در مبارزه شان در مقابل سلطه پنجاب کمک نماید. اما ظاهر شاه برای جلوگیری این عمل نیک، محمد داود را به حیث سفیر در فرانسه مقرر می کند <تاریخ حربی افغانستان علی احمد جلالی صفحه 34-340>

محمد داود در دوره صدرات و هم جمهوریت خود اینرا عملاً ثابت ساخت که وی ظلم بیگانه را بر ملت خود تحمل نداشته و در چنین حالتی بیتفاوت نه نشسته. در این جا لازم دانستم موضوع اعلام سفر بری را از کتاب محترم داکتر صاحب شرق اقتباس کنم تا یادی باشد از آن دورانی که ما دولت مردمی ای داشتیم که از غم و درد ملت آگاه بود و استقلال عمل هم داشت. و این زمانی است که بین دولت و ملت فاصله ها وجود نداشت و مردم به هر صدای دولت لبیک می گفتند و مردم نفس ازاد می کشید و از عدالت اجتماعی و رفاه عامه مستفید بودند. فرق شهید محمد داود با رهبران چهار دهه اخیر این بود که وی آزاده و با ایمان و متقی بود.

از سفربری دیروز تا بی تفاوتی امروز

داکتر صاحب شرق

در سال 1334ش دولت های ترکیه، عراق، ایران، پاکستان و ایالات متحده امریکا پیمان نظامی مشترکی را در بغداد تشکیل دادند و در همین سال از حکومت افغانستان خواستند تا عضویت در پیمان مذکور را بپذیرد. از آنجایی که پیوستن در گیر و دارهای نظامی از یک طرف بیطرفی افغانستان را خدشه دار می کرد و از جانب دیگر همبستگی نظامی با پاکستان حکومت افغانستان را وا می داشت تا به ادعای افغان های ماورای خط دیورند برای آزادی شان خط بطلان کشیده و خلاف اراده مردم افغانستان، خط منحوس دیورند را به رسمیت بشناسد، بناً محمد داود صدراعظم از

Frei verwendbar

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

چنین همکاری ننگینی سر باز زد و متقابلاً دولت پاکستان در همین سال با حمایت هم پیمانان خویش مناطق پشتون ها و بلوچ ها را که تا آنوقت دارای خودمختاری داخلی بودند مدغم به حکومت مرکزی پاکستان ساخت. ناگفته نماند که در زمان تسلط انگلیس ها بر هند بعد از معاهده تحمیلی خط دیورند بر حکومت افغانستان، پشتون ها و بلوچ های ماورای خط مذکور قسماً مستقل (مانند وزیرستان) و بعضی از ایالات آن مانند باجور، پشاور و کویته و غیره استقلال داخلی داشتند.

حکومت پاکستان با اعلام سلب آزادی از آنها با تظاهرات شدید و خونین مواجه گردید و ناگفته نماند که این قضیه زمانی به وقوع پیوست که پاکستان هنوز ده ساله نشده بود. از آنرو مسلمان های سراسر جهان، خصوصاً مردم مسلمان افغانستان خرسندی خاصی از تشکیل حکومت تازه مسلمان ها در نیم قاره هند داشتند و در چنین شرایطی بود که پشتون ها و بلوچ های ماورای خط دیورند شدیداً انتظار همدردی حکومت و مردم افغانستان را می کشیدند.

بناً حکومت افغانستان در دو راهی قرار گرفته بود که هنوز هم عبور از آن و هم توقف در آن خفه کننده بود. در نتیجه مجلس و وزرای افغانستان به این نتیجه رسید که حکومت توسط اعلامیه رسمی از خواست افغان های ماورای خط دیورند حمایت و از عاقبت ناگوار آن به حکومت پاکستان، توسط اعلامیه ای از جانب وزارت خارجه، اخطار دهد. ولی بعدها بهتر دانستند تا شخص صدراعظم عاقبت نیندیشی پاکستان را در سلب حقوق پشتون ها به حکومت پاکستان اخطار داده و از حقوق برحق افغان های ماورای خط دیورند در یک بیانیه رسمی حمایت نماید. پس از آنکه نظریات و گفته های صدراعظم در بیانیه جمع بندی شد و پذیرفتند، گفت: امروز شام همراه با وزیر معارف (داکتر عبدالمجید خان)، شاروال کابل (داکتر محمد آصف سهیل) و رئیس پوهنتون نامش فراموش شده به خانه ما بیایید.

همه باهم به خانه شان رفتیم و ضمن اینکه با هم چای می نوشیدیم، محمد داود گفت: اظهار همدردی با پشتون ها و بلوچ ها در حال حاضر یک وظیفه ملی است، اما آگاه کردن و باز جلب حمایت مردم از بیانیه دولت آنهم به یک گفتن به صورت خود به خودی بعید به نظر می آید.

سپس به وزیر معارف گفت: از شما و رئیس پوهنتون خواهش می کنم تا تعدادی از محصلین و شاگردان لیسه ها را تشویق نمایید تا با معلمین خویش جهت حمایت از اعلامیه دولت در شهر کابل مظاهره کنند و همچنان به شاروال کابل گفت از مدیرهای نواحی کابل بخواهد تا با اهالی نواحی خویش (بدون فشار) در مظاهره اشتراک نمایند.

محمد داود متن بیانیه را جهت مطالعه به داکتر عبدالمجید خان سپرد. نمی دانم چرا داکتر مجید خان به من نگرسته و سپس به صدراعظم گفت: با اطمینان به شما می گویم مردم از شنیدن این بیانیه تحریک خواهند شد و از اداره بیرون.

شاروال کابل گفت: اگر طرف ما غیر از حکومت اسلامی پاکستان می بود امکان آن وجود داشت تا مردم تحریک شوند. اما مردم در این ایام بیشتر به سلامتی پاکستان فکر می کنند تا جنگ با آنها.

داکتر عبدالمجید خان گفت: در ضمیر افغان ها مسائل ملی بالاتر از همه چیز است و در تار و پود این مردم وطن پرستی به شکلی عجیب شده است که اگر این اعلامیه با همین متن از زبان صدراعظم به مقابل حکومت عربستان سعودی هم شنیده شود مردم قیام می کنند چه رسد به پاکستان.

فردا شب محمد داود بیانیه خویش را در باره همدردی و حمایت از خواست پشتون ها و بلوچ های ماورای خط دیورند و اخطار به پاکستان را از رادیو کابل قرانت کردند.

تا جایی که رادیو شنیده شده بود (در سال 1334 کمتر اشخاص دارای رادیو بودند و اکثراً خبرها را از لود اسپیکرها که در چهارراهی ها و لیلیه ها نصب شده بود می شنیدند)، خصوصاً در شهر کابل، فردای آن به جای اینکه استادان و معلمین، محصلین و متعلمین را به مظاهره تشویق کنند، برعکس، محصلین پوهنتون و شاگردان لیسه ها استادان و معلمین را به پیش انداخته و با جمع کثیری از مردم در میان راه همراه می شوند و با شعارهای مرگ بر پاکستان، و زنده باد پشتونستان مظاهره کنان طرف شهر خصوصاً سفارت پاکستان، سرازیر می شوند. در نزدیکی سفارت پاکستان شخصی به نام داکتر احمدی پیشتاز مظاهره چیان می شود و بعد از لت و کوب چند پولیس داخل سفارت می شوند و با پایین کردن و آتش زدن بیرق پاکستان، بیرق پشتونستان را بالای سر دروازه سفارت نصب می کنند. (داکتر احمدی در قلعه ای بین دارالامان و ریشخور زنده گی می کرد و قبل از مظاهره بیرق پشتونستان همیشه بر فراز قلعه اش در اهتزاز بود.) به هر صورت به پیروی از وی با یک چشم به هم زدن مظاهره چیان در و دیوار و هست و بود سفارت را آتش می زنند. سوختاندن سفارت پاکستان در کابل از جانب مظاهره چیان، شام همان روز سرخط سرویس های خبری جهان شده بود و فردای آن روز سفرای مقیم کابل از آنچه در سفارت پاکستان رخ داده بود به نمایندگی از حکومت های خویش به وزارت خارجه آمده و اظهار تأسف می کردند. فردای آن روز به رسم احتجاج قونسلگری و وکالت تجاری افغانستان از طرف پاکستان در داده شد و راه های ترانزیت را به روی افغانستان بسته اعلام کردند.

از شنیدن خبرهای تهدید آمیز پاکستان دو باره محصلین پوهنتون، دارالمعلمین ها، و شاگردان چند لیسه دیگر، با تعدادی از مردم، در سرک بین کوته سنگی و ده مزنگ جهت مظاهره به سوی شهر کابل تجمع کرده می رفتند، که صدراعظم پیام کوتاهی به محصلین نوشت و مرا گفت برو و به آنها بخوان و خواهش کن تا برای حفظ امنیت راهی درس خانه های خویش شوند.

تا جایی که به خاطرمانده است او با قدردانی و احترام از حمایت و همدردی آنان برای استرداد حقوق افغان های ماورای خط دیورند سپاسگزاری و خواهش کرده بود که به وی اعتماد داشته باشند که تا زنده است به حمایت خویش از حق تعیین سرنوشت افغان های ماورای خط دیورند حمایت خواهند کرد.

Frei verwendbar

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

به هزار زحمت و مشکل از بین جمعیت از ده مزنگ تا محل ایستادگاه پولیس، رو به روی دواخانه کارته 4، رسیدم و از آنجا خواهشنامه صدراعظم را تا جایی که توان داشتم به آواز بلند خواندم. خوشبختانه از هر کنج و کنار آواز برآمد که به صدراعظم اعتماد داریم و از وی حمایت می کنیم و خموشانه و بدون سر و صدا مظاهره پایان یافت. پیام هایی که از سفرای افغانستان مقیم خارج می رسید از ناخوشنودی حکومت های مقیم می نوشتند. واقعاً آنچه رخ داده بود تا آن روزگار کمتر شنیده شده بود که سفارت یک کشور مقیم کشور دیگری به دست مخالفین آتش زده شده باشد. عدم رضایت و تشویش شاه افغانستان از آنچه پیش آمده بود از آنانی که با وی ملاقات داشتند به وضاحت دیده و شنیده می شد.

در روزهای بعد، در چند نقطه سرحدی در قسمت جنوبی و شرقی افغانستان دسته جات کوچک ملیشه های پاکستانی حمله ور می شدند و باز فرار می کردند و هر آن احتمال حملات بزرگتر پاکستان انتظار برده می شد.

بناً برای جلوگیری از حملات ماجراجویانه پاکستان و تقویه اردو حکومت ناگزیر شد تا امر سفربری صادر کند. فراموشم شده که حکومت اعلامیه داد و یا بازم صدراعظم بیانیه، اما به هر صورت در اعلان سفر بری احضار ده دوره عساکر احتیاط را که در حدود پنج صد هزار نفر می شد، خواستار شدند.

در ضمن، به ولایات افغانستان هدایت داده شد تا از جلب اجباری عساکر احتیاط جداً خودداری کنند تا بدین گونه فهمیده شود که آیا مردم خوش به رضاء حاضرند از حقوق برادران افغان خویش در ماورای خط دیورند دفاع نمایند و یا آنان را به فراموشی سپرده اند.

اعلان سفربری با استقبال شگفت انگیز (بالتر از تصور و انتظار) مردم افغانستان رو به رو شد، استقبال شگفت انگیزی که واقعاً از خود و بیگانه را شگفت زده کرده بود. زیرا فردای شام اعلامیه هزاران نفر در نواحی مختلف شهرها و مدیریت های مکلفیت برای خدمت زیر بیرق جهت دفاع از خواسته های مردم ماورای خط دیورند در سراسر افغانستان صف پشت صف بسته بودند. بناً تعداد داوطلبان هر دم بیشتر و بیشتر از عساکر احتیاط تحت جلب می شدند.

در روزهای دوم و سوم اعلامیه، در سراسر افغانستان مردم در مساجد جمع می شدند و از درخواست حکومت برای دفاع از حقوق پشتون ها و بلوچ های ماورای خط دیورند حمایت می کردند.

در دو روز اول بیش از یکصد هزار نفر ثبت نام شده بودند، و اگر دوائر دولتی آمادگی برای ثبت نام را می داشتند بیگمان ثبت نام اشخاص از یک میلیون نفر هم تجاوز می کرد. صدها معلم و استاد و داکتر و دواساز و نرس برای خدمت زیر بیرق یکی پشت دیگری داوطلبانه ثبت نام می کردند.

آوازه هیاهوی مردم افغانستان برضد عمال پاکستان در سراسر دنیا به شکل عجیب و غریبی پیچیده بود. روزنامه نگاران زیادی از خارج کشور تقاضای ویژه افغانستان را می کردند، و سفارتخانه های افغانستان اجازه داشتند تا بدون تعلل به خبرنگاران خارجی ویژه صادر کنند.

در آن روزها در افغانستان خطوط هوایی وجود نداشت. بناً بیشتر روزنامه نگاران از طریق ایران و از راه زمین وارد افغانستان می شدند. مامورین سرحدی به خبرنگاران تفهیم می کردند که در هر نقطه افغانستان و از هر فرد افغانستان در باره آنچه در افغانستان می گذرد پرس و پال کرده می توانند. ولی افسوس و هزار افسوس که حکومت افغانستان توانایی سوق و اداره چنین اردویی را در آن زمان نداشت، تا از این نیروی عظیم بشری و از این وحدت و همبستگی مردم خویش برای نكوهش پاکستان استفاده می کرد.

از آنرو حکومت اعلامیه پشت اعلامیه نشر می کرد و از احساسات غرورآفرین مردم و از عشق و علاقه آنان به دفاع از سرزمین مقدس شان و حقوق افغان های ماورای خط دیورند سپاسگذاری می نمود، و می خواست تا دو باره به کار و بار و زندگی خویش مشغول شوند تا مراجعه به دفاتر دولتی جهت ثبت نام.

ولی خوشبختانه تجمع بی سابقه و غرور آفرین مردم افغانستان و هم نوایی و جوش و خروش پشتون ها و بلوچ های ماورای خط دیورند با مردم افغانستان چهره سیاسی افغانستان را دگرگون و کشور را از انزوا بیرون کرد.

حکومت افغانستان در صف کشورهای بیطرف به حیث عضو مؤسس و متعهد قرار می گیرد و با حفظ بیطرفی خویش، از جنبش های آزادی بخش کشورهای استعمار زده، برای آزادی شان حمایت می کرد.

دیگر از حملات ملیشای پاکستانی در سرحدات افغانستان خبری نبود و از تهدیدات و بلند پروازی های حکومت پاکستان برضد افغانستان کاسته شده بود. به طور مثال:

صدراعظم پاکستان بعد از آتش گرفتن سفارت کشورش در کابل به جواب خبرنگاران گفته بود که به هر اقدام انتقام جویانه که بخواهیم از افغانستان انتقام خواهیم گرفت، مگر اینکه صدراعظم افغانستان شخصاً به سفارت پاکستان در کابل رفته و از آنچه رخ داده معذرت بخواهد و بیرق کشور ما را دو باره بالای سفارت ما بلند کند. به جواب روزنامه نگار دیگری که پرسیده بود در باره آتش گرفتن فونسلگری و وکالت تجاری افغانستان در پشاور چه نظر دارید، گفته بود تا حال چنین اطلاعی را دریافت نکرده ام.

پس از اعلان سفربری در افغانستان و جوش و خروش آن در پشتون ها و بلوچ های ماورای خط دیورند، مثلی که حکومت پاکستان به حساب خود رسیده بود، زیرا به جای تهدیدات دولت پاکستان، هم پیمانان شان دست به کار می شوند (بیگمان به میل پاکستان).

برای رفع کشیدگی بین طرفین اولین هم پیمان نظامی پاکستان، دولت ترکیه، و سپس شاه ایران واسطه می شوند تا راه مصالحه و گفتگو را میان دو کشور جستجو کنند به دنبال آن شاه عربستان سعودی هم علاقه مندی و میانجیگری خویش را اعلام می دارد.

Frei verwendbar

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکې په څېر و لولئ

در جریان مذاکرات هیئت مذکور بین حکومت افغانستان و پاکستان بود که حکومت پاکستان برای فرونشاندن خشم بلوچ ها و پشتون های ماورای خط دیورند، و احتمالاً مساعد ساختن مصالحه، بدون سر و صدا از موضوع جنجال برانگیز حذف خودمختاری پشتون ها و بلوچ ها چشم می پوشد. از آنرو زمانی که هیئت مصالحه نظریات خویش را به طرفین ارائه می کند هر دو طرف آنرا می پذیرند.

هیئت نظریه داده بود که هم طرف افغانستان و هم جانب پاکستان در حفاظت و حراست حریم سیاسی یکدیگر غفلت کرده اند. بناً در زمان واحد بیرق سفارت پاکستان در کابل و قونسلگری افغانستان در پشاور از جانب وزرای خارجه افغانستان و پاکستان برافراشته شود و هر دو کشور چنین کردند.

حضور بی سابقه و شورانگیز مردم افغانستان چه در تظاهرات و چه در سفربری، به دولت پاکستان و خصوصاً به آنانی که در اراده مردم افغانستان در نفی کردن خط دیورند مشکوک بودند و آنرا پندارهای بی بنیاد و منحصر به محمد داود بر می شمردند فهماند که مردم غرور آفرین این سرزمین در حفظ منافع و حاکمیت ملی و نفی کردن خط دیورند هریک داود وطن خود اند و همه باهم شکست و بی ننگی و حاکمیت دیگران را نمی پذیرند.

و اما در باره سفربری دیروز و بی تفاوتی امروز:

سال های سال قبل عالم متبحری، فقیر مشرب و درویش صفتی، به نام ملا عثمان در یکی از قریه های بالا بلوک فراه که همین اکنون قبرش زیارتگاه خاص و عام است مدرس و ملا امام مسجدی بود.

او از تعدادی از بچه های مردم بینوا در مدرسه شبانه روزی مسجد نگه داری و تدریس می کرد و کمک مردم بینوا و درمانده آنجا به مدرسه مذکور نان خشک بود. طلبه ها که از خوردن غذای یکنواخت (نان خشک) دلگیر شده بودند از ملا روغن خواستند. به هدایت ملا، طلبه ها دیگ کلانی را کنار کاریز گذاشتند و از آب لبالبش کردند. ملا به عجز سر به سجده گذاشته قل هوالله می خواند، و زمانی که سر از سجده بلند می نماید به دیگ پُف می کند و همه آب دیگ روغن می شود. طلبه ها که روغن سازی را به این سادگی دیده بودند چیزی خود خوردند و چیزی به غربای ده هدیه کردند و سپس همان دیگ را از همان کاریز پر از آب کردند. همه به اطراف دیگ حلقه زدند و شروع کردند به سجده رفتن و قل هوالله خواندن و بر آب دیگ دمیدن، ولی آب روغن نشد که نشد. از سر شام تا صبح تکرار کردند، باز هم همان دیگ خان بود و آب کاریز .

دانشمندی که شاهد صحنه بود گفت: درست که دیگ دیگ خان و آب هم آب کاریز، و قل هوالله هم در قرآن شریف است، اما برای روغن شدن دمیدن ملا عثمان به کار است نه تو و نه من. مردم افغانستان هم همان رادمردان غرور آفرین دیروزی اند که برای آزادی یک وجب خاک وطن شان جان دادند و امروز هم آنانی که چشم بینا و وجدان آگاه دارند می بینند که برای آزادی جان می دهند. ولی افسوس و هزار افسوس که امروز از ملا عثمان خبری و از پاسبان وطن شان اثری نیست. مگر نشنیده اید که از جور روزگار در آرامگاه شیر روباه چوچه کند و از گردش ایام آشیانه بلبل لانه زاغ و زغن شود. از آنرو در چنین روز و روزگاری که مردم افغانستان با عساکر بیش از چهل کشور جهان بعد از 13 سال جنگیدن در حال خداحافظی اند، خرتازی پنجابی ها، از جور روزگار در سرزمین رادمردان افغان شباهت بیشتر به چوچه دادن روباه در خانه شیر دارد تا عاقبت اندیشی.

بناً بی مناسبت نیست اگر به آنها گفته شود که: تند بر خاک شهیدان مدوان مرکب را با خیر باش که خون از سر زین می گذرد زیرا به شهادت تاریخ شرایط زمان باز هم آپستن ظهور زمامداری است که چه امروز و چه فردا جهت تصفیه حساب با دشمنان قسم خورده آزادی و فرهنگ این سرزمین کهن پا به عرصه وجود خواهد گذاشت."

ومن الله توفیق

Frei verwendbar

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ